

جلسه چهارم: تطبیق بین موضوع رسالت انبیاء و هدف قیام سید الشهداء (۲)

* دومین هدف قیام در کلام سید الشهداء (علیه السلام): اصلاح مردم و مبارزه با فساد

هدف ارسال پیامبران در قرآن کریم

❖ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ ... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ ﴿شعراء: ۱۵۰ تا ۱۵۲﴾

حضرت صالح پیامبر خطاب به قوم ثمود گفت: پس، از خدا پروا کنید و مرا پیروی نمایید. و از اسرافکاران فرمان نبرید. آنان که در زمین فساد می کنند و اهل اصلاح نیستند.

❖ وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ... فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿اعراف: ۷۴﴾

و به سوی [قوم] ثمود صالح برادرشان را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید... و نعمتهای خدا را به یاد آورید و در زمین به فساد مپردازید.

❖ وَ قَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْ فِي قَوْمِي وَ أَصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿اعراف: ۱۴۲﴾ ... ای هارون! در قوم من جانشینم باش و اصلاح کن و راه فسادگران را پیروی مکن.

❖ آیت الله العظمی مکارم شیرازی در تبیین این هدف رسالت انبیا می فرمایند:

این نکته از آیات قرآن به خوبی استفاده می شود که یکی از اهداف بزرگ بعثت پیامبران، پایان دادن به فساد در ارض (به معنی و سبب) بوده است؛

آن چنان که از قول شعیب، پیامبر بزرگ الهی می خوانیم که در برابر فساد آن قوم سرکش می گوید: «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ» ﴿سوره هود، آیه

۸۸﴾ تنها هدف من این است که تا آنجا که در قدرت دارم به مبارزه با فساد برخیزم و اصلاح کنم.^۱

دومین هدف قیام امام حسین (علیه السلام) در کلام سید الشهداء

• امام حسین (علیه السلام) قبل از این که از مدینه به سوی مکه حرکت کند، خطاب به برادرش (محمد بن حنفیه) این وصیت را نوشت:

سم الله الرحمن الرحيم، هذا ما أوصى به الحسين بن علي بن أبي طالب إلى أخيه محمد المعروف بابن الحنفية أن الحسين يشهد أن لا إله إلا

الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده ورسوله، جاء بالحق من عند الحق وأن الجنة والنار حق وأن الساعة آتية لا ريب فيها، وأن

الله يبعث من في القبور...

إني لم أخرج أشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً، وإنما خرجت لطلب النجاح والصلاح في أمة جدي محمد صلى الله عليه وآله، أريد

أن أمر بالمعروف وأنهى عن المنكر، وأسیر بسيرة جدي محمد صلى الله عليه وآله، وسيرة أبي علي بن أبي طالب...، فمن قبلني بقبول

الحق فالله أولى بالحق، ومن رد علياً هذا أصبر حتى يقضى الله بيني وبين القوم بالحق، ويحكم بيني وبينهم بالحق، وهو خير الحاكمين. 'به

۱. آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص: ۲۲۱

درستی که من از روی سرمستی و سرکشی و فسادانگیزی و ستمگری، قیام نکرده ام؛ بلکه برای تحقق رستگاری و صلاح در امت جدّم محمد صلی الله علیه و آله قیام کرده ام. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم و به سیره جدّم محمد صلی الله علیه و آله و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام، رفتار کنم... آن که مرا به حقّانیت پذیرفت، [بداند که] خداوند، اولی تر است به حق [و پاداش او را خواهد داد] و اگر در این دعوت، دست رد بر سینه من زند، شکیبایی می ورزم تا خداوند، میان من و این گروه، بر پایه حقیقت، داوری کند و به حقیقت، حکم دهد، که او بهترین داوری کنندگان است.

- در نامه ای به جمعی از بزرگان بصره به بدعتهای موجود در جامعه اشاره کرده، و هدفش را از قیام بر ضدّ حکومت یزید، احیای سنت و مبارزه با بدعتها معرفی می کند. می فرماید:

«وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَ إِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ، وَ إِنِ اسْتَمِعُوا قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَمْرِي، أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ؛ (من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می خوانم؛ چرا که (این گروه) سنت پیامبر را از بین برده و بدعت (در دین) را احیا کردند. اگر سخنانم را بشنوید و فرمانم را اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می کنم.^۲

- آن گاه که در مسیر کربلا با «فرزدق» ملاقات می کند، به روشنی از بدعتها و خلاف کاری های حاکمان شام و قیام برای نصرت دین خدا سخن می گوید:

«يَا فَرَزْدَقُ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَ تَرَكَوْا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ، وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ، وَ أَبْطَلُوا الْحُدُودَ، وَ شَرِبُوا الْخُمُورَ، وَ اسْتَأْتَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ، وَ أَنَا أَوْلَى مَنْ قَامَ بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ وَ اعْزَازِ شَرْعِهِ، وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ، لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعَلْيَا؛ ای فرزدق! اینان گروهی اند که پیروی شیطان را پذیرفتند و اطاعت خدای رحمان را رها کردند و در زمین فساد را آشکار ساختند و حدود الهی را از بین بردند، باده ها نوشیدند و دارایی های فقیران و بیچارگان را ویژه خود ساختند و من از هر کس به یاری دین خدا و سربلندی آیینش و جهاد در راهش سزاوارترم. تا آیین خدا پیروز و برتر باشد.^۳

- امام حسین (علیه السلام) هنگامی که از «بطن الرّمّه» راه افتاد و با عبدالله بن مطیع که از عراق می آمد، برخورد کرد. وی به امام (علیه السلام) سلام داد و عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو ای پسر رسول خدا! چه چیز تو را از حرم خدا و حرم جدّ تو بیرون کشاند؟ امام (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ كَتَبُوا إِلَيَّ يَسْأَلُونَنِي أَنْ أَقْدِمَ عَلَيْهِمْ لِمَا رَجَوْا مِنْ أَحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ وَ أَمَاتِهِ الْبِدْعِ؛ مردم کوفه نامه نوشتند و از من خواستند که به سوی آنان بروم، بدان امید که (با قیام علیه بنی امیه) نشانه های حق زنده و بدعتها نابود شود.^۴

۲. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۶۶ و بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۴۰.

۳. تذکرة الخواص، ص ۲۱۷-۲۱۸.

۴. اخبار الطوال، ص ۲۴۵.

